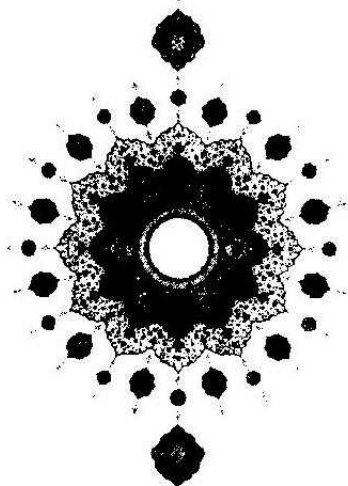


نماز و مدرسه
نگاهی روان‌شناختی
در تربیت دینی فرزندان

عبدالعظیم کریمی



[illegible]

نام کتاب: نماز و مدرسه - نکته‌های روان‌شناختی در تربیت دینی فرزندان

فهرست مطالب

۶.....	سخن ناشر.....
۷.....	پیشگفتار.....
۱۵.....	مقدمه.....
۲۸.....	نگرش فردی به احل رشد دینی.....
۳۴.....	آسیب‌شناسی تربیت دینی در مدارس.....
۴۲.....	اصول حاکم بر فرایند تربیت دینی.....
۴۷.....	تربیت هادی (رسانا) در برابر تربیت عقبی (انارسانا).....
۵۸.....	شاخص‌های افتراقی روش فعال و غیرفعال در تربیت دینی دانش‌آموزان.....
۶۲.....	چگونگی تقویت نگرش دینی دانش‌آموزان در مدارس.....
۶۸.....	چگونگی تحول ارزش‌های دینی در دوره نوجوانی.....
۷۵.....	نکته‌ها و گزاره‌های روان‌شناختی در تربیت دینی دانش‌آموزان.....
۱۰۵.....	پی‌گفتار ویراست دوم.....
۱۰۵.....	تربیت دینی به «سبک فطری».....
۱۳۳.....	نتیجه‌گیری.....
۱۳۶.....	پیشنهادهای کاربردی.....
۱۳۹.....	فهرست منابع.....

پیش‌گفتار

زمانی که سخن از تربیت دینی و تقویت فرهنگ نماز در «مدارس» به میان می‌آید بیش از هر چیز ذهن‌ها را متوجه یک ردیف مراسم و مناسک رسمی و انضباطی در مدرسه می‌کند که باید به شکل اجباری از جانب دانش‌آموزان انجام گیرد تا نتیجه آن در کارنامهٔ روزانه و با نمرهٔ انضباطی دانش‌آموز مطابق انتظارات مدرسه ثبت شود.

در واقع، شاخص‌های تربیت دینی در مدارس از آن گونه که برخی از مدیران و یا مربیان تربیتی انتظار دارند این است که دانش‌آموز در ایام حضور در مدرسه، میزان پای‌بندی خود را به نماز جماعت، میزان رعایت ظاهر اسلامی در پوشش، میزان حضور در مراسم مذهبی نظیر زیارت عاشورا، عای کمیل و... به اثبات برسانند.

اما به راستی ملاک‌ها و انتظارات اولیاء و مربیان از تربیت دینی دانش‌آموزان چیست؟ چگونه می‌توان حس دینی و ایمان قلبی به ارزش‌ها و فضایل دینی را جایگزین انتظاراتی کرد که دانش‌آموزان بعضاً نه از روی میل و ایمان

درونی بلکه براساس انتظار مدیران و مربیان و برای کسب مقبولیت آموزشگاهی و ارتقای نمرات پرورشی خود انجام می‌دهند؟

اگر تربیت دینی و نماد بارز و باشکوه آن، یعنی برپایی نماز را در مدرسه با صریح‌نگری و ظاهرینی قضاوت کنیم آن‌گاه ممکن است که کالبد و پوسته این بر جواهره دین غلبه یابد و شاهد ترویج فرهنگ ریا و تظاهر به جای خلوص و بی‌گناهی در رفتار دینی دانش‌آموزان باشیم.

آنچه به ما می‌آید در مدارس تحت عنوان تربیت دینی از دانش‌آموزان انتظار می‌رود عموماً با ظاهر بی، عوام‌زدگی، برخورد های اداری و بخشنامه‌ای همراه است. این گونه ارزش و ارزش‌ها به تربیت دینی، موجب می‌شود که دانش‌آموزان شوق و اشتیاق به یادآور دین‌داری و دین‌مداری را درک نکنند و صرفاً براساس یک ردیف تکالیف انضباطی و اجباری مطابق انتظارات دیگران عمل کنند.

از نظر قرآن کریم انسان موجودی است که روح الهی در او دمیده شده و به زیباترین اندازه‌ها و قالب‌ها خلق شده است؛ او با برخورداری از توانمندی‌های شگرف و ظرفیت‌های بی‌کرانه‌ای که دارد براساس درون‌مایه‌ای فطری می‌تواند در تعامل با محیط و فرهنگ سازنده، اخلاق الهی را در خویش فعلیت بخشد. از این نظر تربیت دینی به یک معنا همان تحقق خداگونگی انسان و تمامیت بخشیدن به همه قابلیت‌ها و استعدادهایی است که خداوند در وجود آدمی به ودیعه نهاده است. بنابراین، قبل از هر چیز باید در مفهوم، جایگاه، گستره، روش‌ها، نگرش‌های متولیان تعلیم و تربیت نسبت به تربیت دینی بازنگری اساسی صورت گیرد.

سؤال اساسی در این‌جا، این است که چه نوع آموزش و پرورشی در ابعاد برنامه‌ریزی، روش‌ها و فعالیت‌ها می‌تواند به همراه سایر نهادهای تربیتی در تحقق اهداف تربیت دینی و ترویج فرهنگ نماز در مدارس، کارآمد و اثربخش باشد. زیرا ساختار آموزش و پرورش (درون داد، برون داد، فرایندها، ابزارها و...) باید به‌نحوی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شود که «برون داد» آن منجر به تربیت شهروندانی باایمان، با نشاط، مستقل، آزاداندیش و نیک رفتار شود. در همین راستا است که می‌توان به کارکرد تربیتی نظام آموزشی اعتماد کرد.

متقاعد ساختن متولیان تعلیم و تربیت در نظام آموزشی درباره این که تربیت دینی فرایندی درونی است و نه بیرونی؛ اکتشافی است و نه اکتسابی؛ استخراجی است و نه انتقالی؛ ذاتی است و نه عارضی، بسیار چالش‌برانگیز و یا شاید مسأله‌انگیز بنمایاند. به‌دیگر سخن، اگر گفته شود «دینی کردن» دانش‌آموزان از طریق صرفاً کتاب و نمره و پاداش و تنبیه مانع «دینی شدن» آن‌ها از درون می‌شود احتمالاً منجر به این نتیجه غلط می‌شود که پس هیچ‌گونه اقدامی نباید در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان انجام گیرد و تصور می‌شود که این نظریه طرفدار واگذاری و سهل‌انگاری به معنای نسبت به دین و انجام تکالیف مقدس آن می‌باشد؛ حال آن که مراد اصلی از طرح این دیدگاه در این است که تربیت دینی در شرایطی به زیباترین و عمیق‌ترین شکل خود محقق می‌گردد که «انگیزه‌های درونی» به کار گرفته شوند و از هرگونه اقدامی که زیبایی و اصالت درونی ایمان قلبی را خدشه‌دار و آسیب‌پذیر کند پرهیز شود.

اهمیت اقامه نماز و ترویج فرهنگ انسان ساز آن در مدارس به منزله یکی از نمادهای تربیتی دینی که جلوه‌ای تمام‌عیار و تمام‌نما از همه مظاهر دین‌داری و معنویت می‌باشد مستلزم توجه به مبانی، اصول و روش‌های حاکم بر تربیت دینی می‌باشد.

در حقیقت اگر رویکرد انتخاب شده در تربیت دینی مبتنی بر «ایمان رونی»، یعنی رویکرد برنامه‌ریزی مبنی بر «قلب» و «دل» و نه «مغز» و «ذهن» باشد آن‌گاه می‌توان به فلسفه روش‌های فعال در تربیت دینی و برپایی شکوفایی و مثاقانه مراسم عبادی و در رأس آن نماز، در مدارس پی برد. روش‌هایی که در آن دانش‌آموزان با مشارکت خودانگیخته و شور و شوق بالنده در انجام این تکالیف نسبتاً مهمت می‌ورزند و آن‌را به منزله یک نیاز حیاتی در رشد و تعالی روح و روان خود تلقی می‌کنند.

برای دستیابی به اهداف تربیت دینی، توسعه و ترویج فرهنگ تعالی بخش نماز و ارتقای نمودهای عملی آن در مدارس، ختلف زندگی باید به آن‌چه که در مدارس می‌گذرد با نگاهی نقادانه و انتقادی نگاه کرد تا بین آن‌چه در برنامه‌ریزی‌های آموزشی قصد می‌شود و آن‌چه دانش‌آموزان در میدان رفتار و عمل از خود نشان می‌دهند مقایسه علمی انجام گیرد. و از این طریق است که مشخص می‌شود که بین ذهنیت‌ها و عینیت‌ها، بین درون‌دادها و برون‌دادها و بین محرک‌های ارائه شده و پاسخ‌های دریافت شده چه رابطه‌ای وجود دارد؟

باری، تربیت دینی مستلزم بهره‌گیری از «معرفت شهودی» است که پایگاه آن در قلب است و نه مغز. اما آن‌چه امروزه در مدارس تحت عنوان

برنامه‌ریزی‌های آموزشی و روش‌های تدریس و محتوای یادگیری به قصد تربیت دینی ارائه می‌شود هیچ‌گونه ارتباط معنی‌داری با سازه‌های هوش عاطفی^۱ (E.Q) و هوش معنوی^۲ (S.Q) ندارد.

بدون تردید، ایمان، عشق، پرستش و دیگر نیازهای متعالی انسان که از جنس انگیزش‌های معنوی انسان است از طریق تفکر شهودی و تجربه‌های وجودی تجلی می‌یابد. پس آیا می‌توان این کنش‌های شهودی را در قالب برنامه‌ریزی‌های آموزشی و آموزه‌های مدرسه‌ای ارائه نمود؟ در حقیقت، پویایی تربیتی در شرایط کنونی وابسته به پویایی روش‌ها، نگرش‌ها و برنامه‌هاست که در سطح نظام‌های آموزشی و یا سیاست‌های تربیتی حاکم بر خانه و مدرسه مطرح می‌شود و باید از حالت مکانیکی و تحمیلی خارج شده و با روش‌های مبتنی بر معرفت شهودی و ره‌یافت‌های قلبی ارائه شود.

نظام تعلیم و تربیت در کشور ما به حسب ارتباط آن با مبانی دینی و حاکمیت ارزش‌های اسلامی، دارای خصیصه اسلامی است و هدف‌ها، روش‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی نیز باید تا این خصیصه بنیادی باشد.

یکی از جلوه‌های متعالی انسان مسلمان برپایی یکی از جامع‌ترین نشانه‌های دین‌داری یعنی «نماز» است. که به منزله ستون دین اسلام و کلید

1. Emotional Quotient.

2. Spiritual Quotient.

دستیابی به بهشت جاودان و عامل پارسایی و نگه‌داشت آدمی از گناه و فحشا و آسیب می‌باشد.

در این دو سه دهه‌های که از انقلاب اسلامی می‌گذرد تلاش بسیاری از جانب متولیان تعلیم و تربیت و مسؤولان فرهنگی و مبلغان دینی صورت گرفته است که جایگاه ارزش‌های دینی را در جامعه تثبیت کنند. از میان همه این موضوعات، بحث «نماز» و جایگاه ویژه آن وسیع‌ترین و پررنگ‌ترین بحث بوده است. صدها کتاب در باب آثار و اسرار و فواید و اهمیت نماز تألیف شده است. ده‌ها تشکل دینی و فرهنگی برای ترویج اقامه نماز راه‌انداز شده است؛ صدها همایش و کنگره و سمینار استانی و کشوری با ابعاد مختلف، با طیف‌های گوناگون با نیازهای اساسی زندگی فردی و اجتماعی مورد بحث قرار دادند.

برگزاری اجلاس‌های سالیانه نماز در سطح ملی با حضور بالاترین مقام‌های فرهنگی، تبلیغی و سیاسی کشور از جمله اقدامات مهمی است که در اهمیت جایگاه نماز و تسهیل راه‌های ترویج آن برگزار شده است.

هزارن مقاله علمی و عنوان پژوهشی در زمینه «نماز» به دست محققان و مؤلفان از حوزه‌های علمیه تا دانشگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی و دینی تدوین شده است. اما به نظر می‌رسد علیرغم همه این اقدامات جایگاه نماز در میان نسل جوان و نوجوان آن‌گونه که شایسته این حکم الهی است توسعه نیافته است. به همین سبب انتظار می‌رود که مفهوم نماز و نقش بنیادی آن در زندگی عصر امروز از موضع تعلیم و تربیت و روش‌های پایدارسازی فرهنگ نماز در مدارس مورد بحث قرار گیرد.

براین اساس و در پاسخ به این نیاز مهم معنوی و اجتماعی در این جا سعی شده است که توصیه‌های کاربردی به شکل کوتاه و گویا برای مدیران، معلمان و مربیان تربیتی ارائه شود تا آن‌ها در تعامل با دیگر عوامل محیطی و فرهنگی بتوانند شاهد تحقق و شکوفایی نیازهای معنوی دانش‌آموزان در ابعاد زندگی، رده، و اجتماعی باشند.

آنچه که پیش‌رو دارید جلد دوم این مجموعه متوالی است که تأکید آن بر نهاد مدرسه نقش تربیتی آن در پرورش حس دینی و تقویت و توسعه فرهنگ نماز در دانش‌آموزان می‌باشد. چراکه اگر تربیت دینی به معنای کامل و جامع آن تحقق یابد، احکام دین به در رأس آن نماز نیز به زیباترین و باشکوه‌ترین شکل اقامه می‌گردد. است که با عنایت الهی و تلاش متعهدانه اولیاء و مربیان بتوانیم در تحقق اهداف تربیت دینی گام‌های مؤثری برداریم.

عبدالعظیم کرمی
زمستان ۱۳۹۶